

دوهفته نامه

آيينه روز

سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و طنزی سال یازدهم
شماره ۱۸۳ نیمه اول حوت سال ۱۳۹۹

قیمت ده افغانی



اطلاعيه مرکز قانون مندی مطبوعات و

انستيتیوت تعلیمات عالی خانه فهم

مرکز آموزشی قانون مندی مطبوعات بزودی کورس های خبرنگاری شش ماهه را در انستیتوت تعلیمات عالی خانه فهم دایر مینماید جهت ثبت نام و معلومات به آدرس ذیل مراجعه کنید:

دفتر مرکزی قانون مندی مطبوعات : فاروق سمنتر منزل چهارم دهن باغ و انستیتوت تعلیمات عالی خانه فهم بین بهارستان و دهن باغ مراجعه نمایید .

تماس : سید داود یعقوبی مسئول قانون مندی مطبوعات ۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

انستیتوت تعلیمات عالی خانه فهم : ۰۷۶۶۸۰۰۸۰۱ خالد ضیایی

سوم حوت قیام

مردم کابل

۲



زن بودن

افتخار است

۳



کودکان قربانی جنگ ها

تمنا زریاب پربانی

قربانی شدن این کودکان وحشی گری و بربریت را در افغانستان نشان می داد . اکنون نیز مشکلات جدی در این راه داریم و با وجود اینکه دولت ما تعهدات مشخص را به جهان داده است مخالفین دولت و گروه های تروریستی به ساده گی اطفال معصوم را به جنگ می فرستند و با استفاده از واسکت های انتحاری جان این عزیزان ما را می گیرند .

حالا که جهان این تعهدات مشخص را داده است باید دنیا روی مخالفین و گروه های دیگر هم همین فشار را بیاورد و نگذارند اطفال و نوجوانان ما در خون غوطه ور شوند و تعدادی افراد کثیف از آنها به عنوان چوب سوخت استفاده نمایند .

همین حالا تعدادی زیادی از کودکان ما در کوچه های کابل مشغول گدایی اند و تعداد کثیری از کودکان در بازار کار مشغول کارهای شاقه که از توان جوانان نیز زیاد است به کار مشغول اند و بدین طریق امرار معاش می نمایند .

دولت باید به هر شکلی که میشود این اطفال به مدارس بفرستد تا باشد که ما در قسمت تعلیم و تربیت آنان سهم ارزنده داشته باشیم و بعد از آن از نیروی عقلی و ذهنی و جسمی آنان استفاده کنیم و این مسئله مهم است که بدانیم خدمت گذاران اصیل کشور همین کودکان هستند که فردا بزرگ می شوند و شاید رئیس جمهور آینده ما یکی از همین اطفال در دکشیده و پا برهنه باشد و گاندی و اربه این ملت خدمت نماید .

تثبیت گردد . دولت با این کار خود آبروی ما را در جهان بالا می برد و نشان می دهد که ما می توانیم به تعهدات خود وفادار باشیم و گام های عملی در این راه برداریم . اما اگر نیم نگاهی به جنگ های گذشته داشته باشیم به یک نکته و نتیجه می رسیم که در دولت های گذشته و گروه های سیاسی مخالف دولت در طول ۴۰ سال گذشته از این نیرو ها استفاده کرده و همین حالا نیز استفاده می کنند .

اخیر دولت افغانستان تعهدات خاصی در قبال استفاده نکردن از نیروی اطفال در جنگ ها و اردو، پلیس و امنیت ملی داد و گفت که دولت افغانستان تعهد می سپارد که جوانان زیر سن ۱۸ را به خدمت نمی گیرد و از نیروهای زیر ۱۸ سال استفاده نمی کنند چون کودک هستند.

البته این گام مهم در بخش نظامی است و ما مطابق به کنوانسیون های جهانی باید نباید از نیرو های اطفال استفاده کنیم و حتی در قسمت کار هم باید این تعهدات



مخالفین سیاسی دولت های گذشته و رهبران جهانی به این یک نکته پی نبرده بودند که اطفال باید از جنگ دور باشند و زمینه تعلیم و تربیت آنها فراهم شود و در طول جنگ های داخلی و جنگ های ضد اشغالگری رهبران جهادی از این نیرو به عنوان چوب سوخت استفاده کرد و در تمام جبهات هم به آنان تفنگ داد و هم از نیروی آنان به عنوان جاسوس استفاده کرد و در کنار آن تلفات عظیم جنگ های مجاهدین و دولت کودکان بودند و

را به جهانیان بدهیم و چنانچه تعهدات ممنوعیت کار نیز از طرف دولت داده شده است . اما سؤال اینجاست که تعدادی زیادی از اطفال سن خود را بالا می برند و تذکره های خود را مطابق قوانین می سازند تا به نظام خدمت کنند و مشکل است کسی تثبیت کند که آیا سن واقعی این جوانان مطابق قانون است یا نه مگر اینکه افراد مشکوک دوباره تذکره هایشان تاییدی بخورد و یا اینکه به طب عدلی معرفی شوند تا سن واقعی آنان

خط مش رسانه ها

از آنجا که رسانه ها نقش مثبتی در تأمین امنیت کشور دارند و می توانند جامعه را به سمت و سویی هدایت کنند و پلی باشند بین مردم و دولت و نارسایی ها و فساد را نقد نمایند و جهت نشر اهداف نهاد ها و احزاب گام های استوار بردارند و در کنار آن در تعلیم و تربیت و مسایل اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و و و و نقش اساسی خود را بازی نمایند ، الزامیت های اخلاقی و حقوقی نیز دارند .

چندی قبل ریاست جمهوری لطف نمودند و دستوراتی مکفاتی برای آنها در نظر گرفتند که این کار ایشان باعث خوشحالی اصحاب رسانه ها گردید و ما از این لطف ایشان سپاسگزاریم .

اما نکاتی چند در مورد رسانه ها باید گفت و این یک نکته را باید تذکرید هم که ما نه تنها باید مکافات شویم بلکه با خطر تخطی ها و دامن زدن به جنگ های قومی و مسایل سیاسی و دوری مردم از دولت و ایجاد بدبینی ها و گفتار های غیرمسئولانه و حتی مجرمانه و از همه مهمتر اینکه برنامه های خلاف اسلام و مقدسات و رعایت نکردن کود های اخلاقی تهمت ، بهتان ، افترا و رعایت نکردن مصالح ملی و منافع ملی و و و و مسایلی است که باید مجازات هایی داشته باشد و چنانچه حتی در متمدن ترین کشورهای جهان این مجازات ها و حتی جریمه های سنگین برای مطبوعات و رسانه ها اعمال می شود .

موارد زیادی است که باعث اخلال در نظم عامه و بی ثباتی و حتی بی امنیتی در کشور می شود که باید به آن توجه گردد ، از جمله پایبند نبودن به قانون اساسی که اصل اول آن اسلام است و هر فرآورده که مغایرت با دین مبین اسلام داشته باشد باید جدي روی آن توجه شود و باعث جریحه دار شدن احساسات مردم نگردد .

برنامه های که مغایرت به اسلام دارد می تواند جوانان را تحریک کند و گروه های مخالف دولت با استفاده از تبلیغات اینکه در کابل برنامه های ضد اسلامی پخش می شود دست به اعمال خشونت بار و انتحار و انفجار می زنند .

سه چهار تلویزیون که از طرف خارجی ها حمایت می شود و هر سه وزیر نتوانست جلوی آنها را بگیرد و طبق خواسته های بیرونی ها نشرات خود را ادامه می دهند تا حالا این نکات را در نظر نگرفته اند .

ما چندین بار مقالاتی در این باره به چاپ رسانیدیم و شش سوره ای علما نیز هشدارهایی به آنها داد و مجلس نیز چندین بار اعتراض کردند و گفتند که سریال های خلاف اسلام و دین پخش نشود ، اما این کار ادامه یافت و بالاخره تعدادی از خواهران و برادران ما در انفجار سرک دارلیمان جان های شیرین خود را از دست دادند که مسئولیت این شهادت ها را در کنار طالبان بزدل مدیریت ناسالم طلوع معهود دارد و ما از این شبکه می خواهیم که با آمدن بهار فصل اعتدال برنامه های خود را معتدل سازد و نگذارد دشمنان وطن تبلیغاتی را براه بیندازند که باعث بی امنی و مشکلات شود .

اگر یک نظرسنجی عمومی صورت گیرد بیشترین آراء در صد مردم و سه قوه مخالف حرکت های سازمان یافته شده تعدادی از تلویزیون ها هستند و می خواهیم یک نظرسنجی صورت گیرد و برنامه های که مخالف قانون اساسی و روحیه مردمی است متوقف گردد و یا اینکه اخلاقاً شبکه ها با آمدن بهار برنامه های خود را معتدل سازد و این تنها راه است که ما می توانیم هم دوستان و هم دشمنان خود را متوجه یک نکته سازیم که برنامه های ما ملی و اسلامی است و ما در مسیری قرار داریم که مردم می خواهند .

آوردند مردم را نا راضی ساخت و اسلام خشن و مستبد را مردم قبول نداشتند .

بهر صورت دردوره حکومت های کرسی و غنی مشکلات جدیدی پدید آورد و بر خلاف حکومت های طرفدار شوروی در بخش های مختلف بخصوص ادارات دولتی و ادارات شخصی ما شاهد انارشیزم و بی بندباری و فساد گسترده بودیم و این مسئله حتی جهان را تکان داد و ما در بی عدالتی های اجتماعی و فساد اداری مقام بزرگی نصیب شدیم و جایگاه خود را در ردیف کشورهای جهان ارتقا دادیم و مقام دوم جهان را نصیب شدیم و دوم نمره شدن ما نشان داد که بدترین حکومت ها در تاریخ افغانستان در بی عدالتی های اجتماعی زمان کرسی و غنی بوده است .

نارضایتی های اقتصادی ، حقوقی و اجتماعی در کشور ما در این دوره ها زیاد شد و در تمام ادارات فساد و بی عدالتی به فرهنگ تبدیل شد و اکنون نیز این اسپ چابک به سرعت زیاد در حرکت است و جلوائن همه بی عدالتی گرفته نمی شود و فغان مردم تا آسمان هفتم بلند شده است .

اما راه حل مناسب برای امنیت ملی همین موضوع عدالت اجتماعی است که یکی از مولفه های جدی است و ما می توانیم با تطبیق قانون و عدالت اجتماعی خیلی از مشکلات خود را حل سازیم .

عدالت های اجتماعی باعث می شود که مردم دولت ها را از خود بدانند و با آنها همکاری کنند و دیگر شکار احزاب مختلف و مخالفین مردم نشوند .

گرچه بحث اقتصاد ، سواد و تعلیم و تربیت و بحث امنیت ملی و نیروهای نظامی و جلوگیری از فتنه های مذهبی و زبانی و... هر کدام بحث های مهمی است که مردم به آن نیازمند هستند و می تواند نقش اساسی در رفاه و عدالت اجتماعی دارد .

اما تنها کاری هزینه که می تواند مشکلات زیادی را حل سازد همین عدالت اجتماعی است که ما را به هدف نزدیک می سازد .

حقوق مردم در قضاای حقوقی ، رشوه ، دزدی ، چپاول و انواع فساد دولتی و غیر دولتی در همین زمان آغاز یافت .

دردوران حکومت طالبان تنها چیزی که مردم از آن به عنوان نقطه مثبت یاد می کنند ، عدالت های خاصی بود که آنها به اجرا گذاشتند و در چارچوب قوانین

دردوران حکومت های تره کی ، امین ، ببرک کارمل و نجیب الله مشکلات حقوقی زیادی وجود داشت و فشارهای زیادی به مردم وارد شد اما در قسمت عدالت های اجتماعی و قضایی مردم مطمئن بودند که کارهایشان به صورت خوب پیش می رود و می توانستند درد و ایردولتی خود را راحت احساس کنند و از حقوق خود دفاع کنند .

روز جهانی عدالت اجتماعی

خواجه محمد ادریس

اسلامی سهولت های زیادی در عدالت های قضایی خود آوردند و در این زمین دزدی ، رشوت ، فساد اداری و ... ریشه کن شد .



اما فشارهای مذهبی و قوانین سخت گیرانه زیاد و وحشت و دهشت و استبدادی که آنها در کشور بوجود

اما مشکلات مردم دردوران حکومت های مجاهدین بیشتر شد و نقطه آغاز تمام مشکلات افغانستان در همین دوره بوده و راه فساد ، دزدی و چپاول دارایی های

افغانستان در همین زمان شروع شد .

غصب زمین های شخصی و دولتی ، بی توجهی به

عدالت اجتماعی یگانه آرزوی ملت ها بوده در طول هزاران سال بحث های زیادی روی این موضوع شده است و حتی فیلسوفان نیز بحث های جدی روی این موضوع داشته اند و حتی تا ساختن مدینه فاضله خیالی پیش رفته اند ، اما بشمار به این آرمان دیرین خود هیچگاهی نرسیده است و مشکلات زیادی فرارروی آنان بوده است .

اکثریت قیام های ملی در طول تاریخ برای احقاق حقوق اجتماعی و عدالت اجتماعی صورت گرفته است و قیام های مردمی بخاطری عدالتی های اجتماعی و استبداد و فشارهای اقتصادی و حقوقی مردم صورت گرفته و این قیام ها اکثرا باعث از بین رفتن نظام های خود کامه و نظام هایبی بوده که نتوانسته اند عدالت اجتماعی را تامین نمایند .

اما تعدادی زیادی از کشورها توانسته اند مشکلات زیادی را حل سازند و در کشورهای خود عدالت اجتماعی را اصل قرار داده و با مشارکت های عمومی قوانینی را وضع نمایند که خواسته مردم است و اصل مشارکت و دموکراسی و آزادی بیان و حقوق بشر و رفاه عامه و از همین مولفه هاست که خیلی از مشکلات مردم را حل ساخته است .

اما در نظام کشورهای اسلامی نیز با اصل قرارداد اسلام و قوانین اسلامی این عدالت تحقق پذیر بوده و است و تعدادی از کشورها توانسته اند در طول تاریخ عدالت اجتماعی را اصل قرار داده رضایت خاطر تمام شهروندان خود را بدست بیاورند .

اما بحث اصلی ما روی عدالت اجتماعی در افغانستان است که نظام جدید توانسته است این عدالت را به ارمان بیاورد و توانسته است رضایت خاطر شهروندان خویش را بدست بیاورد .

گرچه در نظام های گذشته عدالت اجتماعی بصورت نسبی مراعات شده بود و به خصوص دردوره های شاهنشاهی ظاهر شاه و سردار محمد داود آرامش نسبی و عدالت های قضایی و... در نظر گرفته شده بود .

زن بودن افتخار است



نویسنده: سوسن کریمی

زنان در اسلام مورد احترام اند و حقوق بیشتر از مردان برای آنان در نظر گرفته شده است و پیامبر اسلام (ص) در مورد همسر فرمودند: "بهترین شما کسانی اند که به همسرش احترام داشته باشد" این حدیث ثابت می کند که اسلام دیدگاه بسیار عادلانه نسبت به زنان دارد .

نقش زن در اجتماع

زن نقش بزرگی در اجتماع داشته و صراحتا گفته می توانیم نیمه ی پیکر جامعه را زن تشکیل می دهد. زن برای همسر خویش تکیه گاه می باشد و کسی است که در آغوش خود مردان تاریخ ساز بزرگ و مشهوری را به جامعه های شرق و غرب که باعث انقلاب



حفظ کرامت انسانی نشان داده اند:

اولین کسی که با دیکتاتوری عظیم فرعون ، دلیرانه برخاست ، یک مرد نبود بلکه یک زن بود . (بانو اسیه)

اولین کسی که مکه مکرمه را آباد کرد مرد نبود بلکه یک زن بود . (بانو هاجر)

اولین کسی که از مبلرک ترین آب روی زمین نوشید مرد نبود بلکه یک زن بود .

(هاجر خاتون)

اولین کسی که خورش بر ای اسلام ریخته شد مرد نبود بلکه یک زن بود . (بانو سمیه)

اولین کسی که مالش را در راه اسلام داد یک مرد نبود بلک یک زن بود . (بانو خدیجه)

پس مینویسم تا همه بدانند .

زن بودن افتخار است

مشکلاتی که زنان روبه رو هستند ، نقطه پایان بگذاریم . وقتی مردها بدون هراس زنان را لت و کوب کرده و مورد شکنجه قرار می دهند و ما

فقط تماشا می کنیم؛ باز هم زنان را زنده به گور کرده ایم ، ازدواج های اجباری و ازدواج های زیر سن ، خشونت های خانوادگی ،

تبعیض جنسیتی و آزار و اذیت های خیابانی ، خلاف قوانین اسلام و حقوق بشر می باشد .

قرآن کریم بهترین رهنما برای بشریت است . برای جامعه سالم و عاری از خشونت باید پیرو

دین مبین اسلام باشیم .

اسم های زنان قهرمانی در آخر این مقاله ذکر شده؛ تا بدانید قهرمانان اصلی بشریت کی

ها است اند؟ که مقابل ظلم و استبداد سر خم نکرده اند و نقش زن را در پیشرفت جامعه و

های بزرگ در عرصه های مختلف شدند پرورانید؛ زن را می توان قهرمان طول تاریخ بشر نامید .

نادیده گرفتن حقوق زنان به معنی زنده به گور کردن آنان است محرومیت زنان از حقوق شان در عرصه های مختلف زندگی مثل آن است که زنان را زنده به گور کنیم .

حقوق و امتیازات بشری زنان در برخی نقاط

افغانستان نادیده گرفته شده و احترامی به

حقوق زنان قایل نیست اند . که شامل حق تعلیم ، حق آزادی بیان ، حق مالکیت ، حق کار ، حق انتخاب همسر و ...

اگر زنان در جامعه به عدالت و حقوق اجتماعی شان نرسند؛ ما نمی توانیم که یک جامعه عاری از خشونت داشته باشیم و به

دوران شلاقهای فکری طالبان و حقوق زنان

سوسن کریمی

هر چند جنگ و خشونت در افغانستان پیشینه طولانی دارد، اما موضوع عدالت انتقالی و رسیده گی به جنایات جنگی اغلب مورد توجه نبوده است. این موضوع حتا پس از ۲۰۰۱ که در حقیقت آغاز حیات سیاسی نوین در افغانستان پسا کنفرانس بن بود، نیز جدی گرفته نشد. در این میان زنان به عنوان یکی از اقشاری که بیشترین خشونت و آسیب را در دوران حاکمیت طالبان متحمل شده بودند، همواره از پایمال شدن حقوق خود و اعمال خشـــونت های زنســـتیزانه این گروه با تکیه بر شریعت اسلام طالبانی گلايه داشته و حتا خواستار به محاکمه کشاندن رهبران این گروه در محاکم جهانی بوده اند. با وجود تمام موانع، اعم از فرهنگ مردسالارانه قبیله و ساختار های اجتماعی که مشرووعیتی برای حضور زن در جامعه و حقوق مستقلانه خود قابل نبوده، پس از دو دهه، زنان افغانستان موفق به کسب دست آورد های فردی و جمعی خود شده اند. دست آورد هایی که حضور زن را در جامعه، سیاست، فرهنگ و دیگر عرصه ها معنا بخشیده است و امروز زنان افغانستان به عنوان نیمی از پیکر این جامعه حرفی برای گفتن دارند. حرف های حاکی از اینکه گذر از جنگ و دستیابی به صلح بدون مشارکت زنان و توجه جدی و عمیق به حقوق آنها امری امکان ناپذیر است.

پس از امضای توافقنامه میان ایالات متحده امریکا و گروه طالبان در دهم حوت ۱۳۹۸ و سپس آغاز مذاکرات صلح دوحه قطر بيم و اميدها در رابطه با ختم منازعات و آینده افغانستان شدت گرفت. به طور واضح قربانیان جنگ و زنان دوگروهی اند که به عنوان متضرران اصلی دوران حاکمیت طالبان، بیشترین نگرانی را در رابطه با نتایج مذاکرات صلح دارند؛ هر چند زنان، امیدوار و قاطع از برگشت ناپذیریشان به دهه ۷۰ خورشیدی میگویند.

طالبان امروز همان طالبان دیروز اند

فریحه ایثار، کنشگر مدنی و پژوهشگر، در این رابطه میگوید که یکی از دســـت آورد های بارز و ملموس دو دهه اخیر، نسل امروز است؛ نسلی که در برابر نظام طالبانی و ایدیولوژی خشک آنها سکوت نخواهد کرد. نسل امروز به شمول زنان، طالبان دهه ۷۰ خورشیدی را به هیچ وجه نمیبپذیرند. او همچنین به گزارش تحقیقی بنیاد آسیا اشاره کرد و گفت: «براساس نتایج این گزارش که دیدگاه زنان و مردان افغانستان را نسبت به طالبان بیان میکند، زنان بیش از مردان، طالبان را گروه بربریت و خونریز میدانند، علت آن هم تجارب تلخ و واقعی زنان در دوران امارت است.».

این فعال حقوق زنان، ضمن تاکید بر عدم تغییر جهان بینی و ایدیولوژی طالبان، معتقد است اینکه برخی از تغییر در ایدیولوژی طالبان سخن میزنند، در حقیقت شـــعار های واهی است تا آماده گی بازگشت امارت را بگیرند، اما واقعیت این است که ارزش های جامعه امروزی به شمول حقوق زنان در تفکرات و ایده های متحجرانه طالبان جایگاهی نداشته، ندارد و نخواهد داشت.

فریحه ایثار، کنشگر مدنی و پژوهشگر

ایثار می افزاید که با آغاز گفتوگوهای دوحه، آنچه نگرانی زنان را بیشـــتر کرده، نقش حاشیه ای و سمبولیک زنان در مذاکرات بوده و است. در متن نبودن زنان در روند مذاکرات صلح، بی توجهی به خواست های آنها و پرهیز از توجه به حقوق زنان با عنوان یکی از اجندا های اصلی گفتوگوها، بيم ما را در برابر چنین توافق صلحی بیشـــتر کرده است، اما نکته ای که باید یادآوری شود، این است که طالبان بدانند که هیچ زنی در این سرزمین منتظر آنها نیست، زیرا امارت طالبان، هویت مســـتقلانه زن را بر نمیتابد. چگونه طالبان و برخی خوش خدمتان آنها از تغییر ایدیولوژی این گروه صـــحبت میکنند، در حالی که واضح و روشن است که مبنای فکری و



اندیشه این گروه بنیادگرا، تحجر و بربریت بوده و ارزش های جامعه مدرن امروز در این تفکرات جایی ندارد. به باور خانم ایثار طالبان امروز همان طالبان دیروز هستند. او می افزاید طالبانی که در مکتب فکری خود، هویت حقیقی و حقوقی برای زن به رسمیت نمیشناسند، از نظر آنها یک زن نمیتواند رییس جمهور و سیاستمدار شود و حتا در ترکیب هیات خود نیز هیچ زنی را به همراه نیاورده اند. این تضاد عمیقی است که قابل تغییر و پذیرش نیست.

این فعال مدنی میگوید خواست ما از دو طرف مذاکره کننده، جامعه بین المللی به ویژه ایالات متحده امریکا و دیگر گروه های دخیل این است که توافق بر سر صلحی صورت گیرد که حتا زمزمه های آمدنش نیز حاکی از امنیت و آسایش باشد. صلح بدون شک تنها به معنای قطع جنگ نیست، بلکه به معنای فضا و محیطی است که هر یک از شهروندان جامعه با وجود داشـــتن ایده ها، بینش و نگرش متفاوت، به طور مسالمت آمیز با یکدیگر زنده گی کنند. ما چنین صلحی را ما میخواهیم. هر صلحی که فاقد این مولفه ها باشد، صلحی پایدار و همه شمول نخواهد بود.

یک عضو هیأت: «ایدیولوژی طالبان نسبت به زنان تغییر نکرده است»

از سوی دیگر، نتیجه گیری یکی از افراد حاضر در هیات مذاکره کننده دولت که خواست نامش فاش شود، در رابطه با جهان بینی طالبان نسبت به زنان جالب توجه است. او در این رابطه گفت: «ماه ها است با طالبان روبه رو مذاکره میکنیم، اما باید گفت در جهان بینی و ایدیولوژی این گروه نسبت به زنان نه تغییر و تحولی آمده و نه میآید. آنچه مسلم است، این است که بـــستر اجتماعی طالبان به گونه ای است که همواره در رابطه با زن با ذهنیت و افکار بسته پیش میروند؛ این گروه از محیطی بسته برخاسته که اغلب در مهمانخانه هایی باراه ورود و خروج جدا، کلان شده اند و زن برای آنها فقط زمانی معنا دارد که شب هنگام برای خواب به خانه رجوع میکنند. تفکر طالبان وقتی با خانواده و عاطفه و انس نسبت به زن گره نخورده باشد، مشخصاً مشکلات ارتباطات اجتماعی آنها تا مادام پا برجا خواهد بود. نکته دیگر

او که معتقد است بینش و منش طالبان با خشونت گره خورده، عنوان میکند که به عنوان یک هنرمند میگویم زن افغان امروز سواد دارد، تحصیل دارد، پیشـــرفت کرده و دست آورد دارد، صدایش را بلند میکند، استقلال اقتصادی دارد و از همه مهمتر آزادی بیانش مهمترین سلاح او است که با تکیه بر آن در برابر تحجرها ایستاده گی میکند. زن امروز در برابر تفکرات ســـنتی و فرهنگ قبیله اطراف خود میایستد و برای کوچکترین خواسته های خود مبارزه میکند، چگونه ممکن است که چنین زنی در برابر امارت و تفکرات طالبانی به زانو در بیاید و مطیع شـــود! دوره حاکمیت افکار متحجرانه در افغانستان دو دهه است که تمام شده و قابل بازگشت نیست.

لزوم تاکید بر ماده ۲۲ فصل دوم قانون اساسی

لیلا فروغ محمدی، فعال مدنی در کابل، نیز نگاه خوشبینانه ای به تغییر بینش طالبان نسبت به زنان ندارد، اما از ماده ۲۲ فصل دوم قانون اساسی افغانستان یاد کرده و بر حقوق و آزادی های یکسان میان زن و مرد تاکید میکند. او در ادامه میگوید که مطابق اصل برابری، هیچ تفاوت و برتری میان زن و مرد نیست، اما در تفکر طالبان زنان بدون هویت مستقل در تملک مرد قرار دارند، تا آنجا که حتا بدون محارم شرعی اجازه خروج از خانه را نیز ندارند.

لیلا فروغ محمدی، فعال مدنی

او می افزاید که اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۸۴) و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) نیز بر عدم تبعیض میان حقوق و آزادی های زن و مرد تاکید دارند، اما آنچه واضح است، این است که طالبان نمیخواهند حقیقت دنیای امـــروز را درک کنند و بپذیرند. تصور آنها از جهان کنونی هنوز تقسیم انسانها به دو دسته جهادگر و کافر است و همچنان در کوه و صـــحرا با ریختن خون نظامیان و غیر نظامیان به دنبال کسب ثواب هستند. مسلم است وقتی واقعیت دنیای امروز را نپذیرند، زن و حقوق زن را هم نمیتوانند بپذیرند.

از سال ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۰۱ میلادی که دوران حاکمیت طالبان بود، زنان بیشـــترین آسیب را زیر شلاق فکری طالبان تجربه کردند. پایمال شدن حقوق آنها و محرومیت از حق تحصیل و اشتغال و حتا عدم اجازه خروج و تردد بدون حضور یک محرم شرعی، از بارز ترین نمونه های خشونت بر زنان در آن دوره بود.

حال با گذشت حدود شش ماه از آغاز مذاکرات دوحه قطر میان دو هیات دولت افغانستان و طالبان، دلواپسی های جدی در رابطه به دستاورد های ۲۰ سال گذشته به ویژه در بخش زنان وجود دارد، اما نکته واضح این است که زنان در تار و پود جامعه نفوذ کرده اند، در فرهنگ، اجتماع، سیاست و دین و حذف آنها به معنای حذف نیمی از پیکر این افغانستان است. هرچند زنان میگویند که دوران تازیانه های فکری طالبان بر حقوق زنان به پایان رسیده و روزهای سیاه دهه ۷۰ خورشیدی بر نخواهد گشت. هرچند پیشـــتر گروه طالبان گفته اند که به زنان متناسب به شریعت اسلامی حق خواهند داد.

فاطمه حسینی، هنرمند و عکاس

طالبان و تجارت مواد مخدر در افغانستان!

نواز شریف ظاهر



طالبان گروه شبه نظامی ای است که اعضایش ریشه در مدارس دیوبندی مورد حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی مستقر در پاکستان دارد . هدف طالبان تسلط بر کل افغانستان است تا مجاهدین را از صحنه سیاسی و امنیتی کشور خارج کنند. گروه طالبان را می توان محصول در گیری های برآمده از کودتای سوسیالیستی – کمونیستی سپس تهاجم شوروی در سال ۱۹۷۹ و خستگی مردم از جنگ مداوم و ناامیدی و بیزاری شان از رهبران مقاومت دانست.

ملا اختر منصور رهبر پیشین طالبان ، قبل از بر عهده گرفتن رهبری این گروه مسئول بازار مواد مخدر در منطقه(گردی جنگل)واقع در ایالت بلوچستان پاکستان بود منطقه ای که با ولایت هلمند هم مرز اسست . این مسایل از جمله عواملی است که باعث شده میزان تولید مواد مخدر رشد داشته باشد .

منابع مالی طالبان از طریق تجارت مواد مخدر و تولید هیروین به دست می آید . پایان جنگ با طالبان حل معضل مواد مخدر در افغانستان نخواهد بود . طالبان با تحمل زیان های قابل توجه در میدان نبرد و حملات گسترده علیه فرماندهان ارشد این گروه که باعث تضعیف طالبان شده ، باز هم از زمین ها و مناطقی که در آن مواد مخدر کشت می شود محافظت می کند .

دولت مستقر در افغانستان با ویژگی های دولت ورشکسته عملا تبدیل به یک دولت ناکوتروریسمم شده است . ارتباط میان طالبان و صنعت تریاک بسیار به هم تنیده شده است . بیش از ۶۲درصد در گیری ها در افغانستان در مناطق جنوبی ولایت هلمند در همان مناطقی روی میدهد که عمده کاشت تریاک در آن اتفاق می افتد ، که در اختیار طالبان می باشد. نزدیک به ۷۰درصد از درآمد کاشت و تولید تریاک در دست نیروهای تروریستی طالبان است و در عین حال این گروه انحصار خرید و فروش اسلحه تجهیزات نظامی در مناطق تحت کنترل را نیز در دست دارند.

گروه تروریستی طالبان و مواد مخدر لازم و ملزوم یکدیگرند . طالبان از تولید مواد مخدر حمایت می کنند و از درآمدهای مواد مخدر در راستای اهداف تروریستی خود استفاده می کنند . مواد مخدر در مناطق تحت کنترل طالبان نسبت به سایر نقاط افغانستان رشد بسیار بیشتری دارد . تا زمانی که طالبان و سایر گروههای تروریستی در افغانستان فعالیت دارند میزان تولید و رشد تجارت مواد مخدر نیز ادامه خواهد داشت.

به دلیل حمایت همه جانبه طالبان از کشت و تجارت مواد مخدر افغانستان بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان بوده .

درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر گروه تروریستی طالبان را تقویت می کند و آن ها را از برنامه خلع سلاح دولت مرکزی دور نگه داشته است .

تجارت مواد مخدر برای تامین مالی طالبان و القاعده یک تهدید حیاتی برای نیروهای خارجی و ثبات ملی افغانستان است .

تروریسم و مواد مخدر در افغانستان کاملن با هم دیگر ارتباط دارند . مواد مخدر یکی از مهم ترین منابع مالی گروه تروریستی همچون طالبان می باشد . به همین دلیل یکی از مهمترین راهکار های مبارزه با طالبان و سایر گروههای تروریستی در افغانستان مبارزه با کشت و تولید مواد مخدر می باشد .

برسی های موجود نشان میدهد زمانی که گروههای تروریستی به استان های مختلف کشور مانند ، هلمند ، قندهار ، زابل ، نیمروز ، ارزگان و فراه ...ورود کرده اند میزان تولید و قاچاق مواد مخدر به شدت افزایش یافته است.

بهترین راهکار مبارزه با تروریسم در کشور کاهش و یا نابودی میزان کشت و تولید مواد مخدر می باشد. که میتوان از ظرفیت سازمان ملل ، کشورهای منطقه ، سازمان های مبارزه با مواد مخدر و کشور های اروپایی و امریکایی جهت کمک به دولت مرکزی افغانستان استفاده نمود . زیرا دولت افغانستان به تنهایی توانایی مقابله با گروههای تروریستی را ندارد . ادامه کشت و تولیدخشخاش در افغانستان به معنای ادامه حیات گروههای تروریستی مانند القاعده و طالبان است و نابودی مواد مخدر به معنای نابودی گروهای تروریستی فعال در افغانستان می باشد.

براي حمايت از كار رسانه ها و تقويت آزادي بيان در كشور نشان مي دهد .
تطبيق است.
اگر تلاش و پيگيري صورت آقاي هاشمي روز يك شنبه، در يك نشست خبري مشترك با شماري از مسوولان نهاد هاي

حکم رییس جمهور: رسانه ها را خودسرانه جلب نکنید

مدیح الله راستین

صنفي خبرنگاران گفت که براساس قوانين کشور نبايد هيچ مشكلي براي خبرنگاران و جريان آزاد اطلاع رساني ايجاد شود. او افزود که حکومت افغانستان به اين ارزشها متعهد است. معاون سخنگوي رياست جمهوري ميگويد: "اين حکم خود نشان دهنده تعهد دولت جمهوري اسلامي افغانستان، حکومت وحدت ملي و شخص رييس جمهور افغانستان به خاطر آزادي رسانه ها در داخل کشور و تقويت آن است. ما تلاش کردیم تا به شکل کنششي به جاي واکنش عمل کنيم".

معاون سخنگوي رييس جمهور هم چنين گفت قرار است در نشست بعدي مسوولان رسانه ها با رييس جمهور ، روي تعيين «خطوط سرخ» نيز بحث شود. آقاي هاشمي افزود که اين خطوط بهصورت مشخص از سوي مسوولان رسانه ها و حکومت مشخص خواهد شد.سيد ظفر هاشمي گفت که رياست جمهوري براي ايجاد صندوق جهشي به منظور کمک به خانواده هاي خبرنگاران قرباني و همچنين ايجاد بخش هاي مشخص به منظور دسترسي خبرنگاران و مردم به اطلاعات در نهاد هاي دولتي نيز گام هايي را برداشته است. معاون سخنگوي رياست جمهوري مي گويد که کميسيوني در وزارت عدليه توظيف شده تا روي ايجاد ادارات مشخص براي دسترسي به اطلاعات براساس

اشرف غني، رييس جمهور کشور —ور، براي بهبود وضعيت کاري رسانه ها، تطبيق بهتر قوانين مربوط به رسانه ها، تقويت آزادي بيان و تامين دسترسي خبرنگاران به منابع اطلاعاتي کشور، حکمي صادر کرده و گفته است که تمام نهادهاي دولتي در مرکز و ولايات مکلف به اجراي اين حکم هستند. اين حکم به دنبال نشست دو ماه قبل مسوولان شماري از رسانه ها و نهادهاي صنفی و حامي حقوق خبرنگاران با رييس جمهور صادر شده و در بخشي از آن آمده که چگونگي برخورد نهادهاي امنيتي با خبرنگاران و رسانه ها بايد در نصاب تعليمي نير و هاي امنيتي گنجانده شود. در حکم رييس جمهور آمده است: "نهادهاي امنيتي و دفاعي جهت تعميل بهتر مکلفيت هاي قانون مبني بر ارايه اطلاعات از فعاليت هاي مربوط به حراست از وطن ، نظام قانون اساسي و تامين امنيت و حقوق اتباع کشور، بادر نظر داشت شرايط موجود امنيتي ، حقوق و مکلفيت هاي نهاد هاي مربوط و شيوه هاي برخورد مناسب با کارکنان رسانه ها را شامل نصاب درسي نهاد هاي آموزشي خويش سازند". اشرف غني در حکم خود روي دسترسي خبرنگاران به منابع معلوماتي دولتي نيز تاکيد کرده مي گويد : "وزارت ها و ادارات دولتي به منظور تعميل بهتر مکلفيت هاي قانوني اطلاع رساني و اصلي شرعي امر به معروف و نهي از منکر ، تسهيلات قانوني لازم را جهت تماس و اخذ معلومات کارکنان رسانه هاي همگاني از مسوولان مربوط به شمول مرکز رسانه هاي حکومت، دفاتر سخنگويان، واحد هاي مطبوعات و ارتباطو آگاهي عامه با رعايت سلوک مناسب و سالم فراهم کنند". رييس جمهور غني در اين حکم از وزارت هاي اطلاعات و فرهنگ و عدليه و هم چنين کميسيون مستقل اصلاحات اداري و خدمات ملکي نيز خواسته تا طرح اسناد تقنيني مربوط به تصنيف و طبقه بندي اطلاعات را تهيه و طي مراحل کنند. اشرف غني در حکم خود افزوده که اين نهاد ها مسووليت دارند تا اطلاعات را مطابق به معيارهاي پذيرفته شده ملي و بينالمللي تفکيک کرده که چگونه اطلاعات حفظ و کدام نوع آن در اختيار مردم گذاشته شود.حکم رييس جمهور که سه بخش مشخص را تحت پوشش قرار داده در آن در زمينه چگونگي رسيدگي به پرونده هاي خشونت عليه خبرنگاران و تخلفات رسانهاي نيز اشاره شده است. اشرف غني ميگويد که رسيدگي به تخلفات رسانه اي از صلاحيت هاي اصلي کميسيون سمع شکايات و رسيدگي به تخلفات رسانه اي است و لوي سارنوالي در موارد ي مي تواند مداخله کند که پيگيري يک موضوع از سوي اين کميسيون به سارنوالي ارجاع داده شده باشد. رييس جمهور غني در اين حکم تاکيد کرده است که بهجز از کميسيون رسيدگي به تخلفات رسانهاي هيچ نهاد ديگري نمي تواند قضاياي مربوط به تخلفات رسانه اي را مورد پيگرد قرار دهد حتی اگر شکايت از سوي نهاد هاي دولتي صورت گرفته باشد. اشرف غني در حکم خود در مورد رسيدگي به پرونده هاي قتل خبرنگاران نيز مي گويد: "گزارش رسيدگي به دوسيه هاي مربوط به قتل کارکنان رسانه هاي همگاني بدون در نظر داشت دليل وقوع جرم که از ايجاد اداره موقت ارتکاب گرديده است، منتشرو

دوسيهاي تحت دوران به اسرع وقت نهايي و در اختيار عامه مردم قرار گيرد".با اين حال، سيد ظفر هاشمي، معاون سخنگوي رياست جمهوري، مي گويد که صدور اين حکم تعهد حکومت وحدت ملي به ويژه رييس جمهور را

حکم قانون حق دسترسي به اطلاعات کار کند . در همين حال، مسوولان نهاد هاي صنفی خبرنگاران از صدور حکم رييس جمهور به منظور بهبود وضعيت و شرايط کاري خبرنگاران و رسانه ها استقبال کرده مي گويند در صورتي که موارد ياد شده در اين حکم دنبال شود، وضعيت کاري خبرنگاران بهبود خواهد يافت .فهميد دشتي، رييس اجرايي اتحاديه ملي ژورناليستان افغانستان، در اين نشست خبري

تا حالا در دوره هاي کاري سهه وزير تخلفات رسانه يي مورد توجه قرارنگرفته است و تخلفات زيادي از طرف رسانه ها صورت مي گيرد و اگر تخلفي مورد بررسي قرار مي گيرد و روي موضوع تحقيق صورت مي گيرد تعدادي از نهاد هاي خود سرو انجوها به خصوص ني انجوبي که از وزارت اقتصاد جوازش را گرفته است ، دهل و نفازه گرفته از متخلف دفاع مي کند و آنرا خشونت عليه خبرنگاران قلمداد مي کند.





مدیر مسئول و صاحب امتیاز

سید داوود "یعقوبی"

تحت نظر هئت تحریر

دیزاین و طراحی: مطیع الله "مسعودی"

آدرس: کوچه قصابی ها

سینما بهارستان سرک

دست راست خانه پنجم

نمبر تماس: ۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

فیسبوک: آیینہ روز

Omid_yaqubi@yahoo.com

کابل پایتخت افغانستان

از آنجایی هموطنان و بسیاری از خارجی های که به افغانستان سفر می نمایند می دانند که میدان هوایی کابل در پایتخت کشور قرار دارد .

با کمال تاسف که نام میدان هوایی کابل نیز تغییر داده شده است ، یعنی اینکه این تحفه بوده است از طرف جناب اشرف غنی احمد زی به جناب حامد کرزی و نام میدان هوایی کابل به میدان هوایی حامد کرزی تغییر داده شده است .

البته باید تذکر داد که این یک اشتباه تاریخی است که اشرف غنی مرتکب شده است و چه بهتر اینکه دوباره این نام به شکل اول خود بماند .

از جانب دیگر حامد کرزی به حیث رییس جمهور سابق کشور نباید این تحفه را قبول می نمود و نام میدان هوایی کابل را به نام خود می گذاشت و در آزمان بود که مردم در قسمت وی قضاوت می کردند و می دانستند که ایشان بزگوار هستند و قبول نکرده اند .

زمانی امیر حبیب الله را گفتند که نام قصر دارالمان را تغییر دهد و به نام خود کند ، اما این پادشاه چند ماهه با وجود اینکه تحصیلات بالا نداشت این مسئله را رد کرد و قبول نکرد و گفت : این نام به شاه امان الله قهرمان آزادی کشوری زید که باید جاودان بماند . اگر خوب دقت کنید می بینید با وجود اینکه حبیب الله با شاه امان الله مخالف بود اما از قهرمانی و استقلال طلبی ایشان انکار نمی کرد و او را قهرمان استقلال کشوری دانست . اما توقع این بود که به نام حامد کرزی یک جاده گذاشته شود ، چنانچه جاده سلطان محمود غزنوی به نام این امپراطور گذاشته شده است ، باید جاده وزارت خارجه مقابل سفارت ترکیه که قصر جدید ایشان است و نیمی از جاده را بند کرده است ، بنام ایشان گذاشته می شد . اما اینکه میدان هوایی هند را به نام بزرگ مرد تاریخ گاندی گذاشته اند دلیلی دارد که تمام دنیا می داند و شخصیت ایشان با حامد کرزی فرق می کند . البته ما نمی خواهیم که در قسمت نام گذاری ها مشکلاتی پدید آید ، اما در قسمت نام گذاری میدان هوایی باید از مردم نظر خواهی می شد و چنانچه در قسمت نام پوهنتون تعلیم و تربیت از مردم نظر خواهی نشد و چندین ماه مظاهرات صورت گرفت و هیچکس قلبا راضی نیست که نام ربانی بالای این پوهنتون گذاشته می شد و باید پوهنتون نظامی به نام ایشان می شد چون کاروشغل ایشان جنگ بود نه تعلیم و تربیت . شما می دانید که حفیظ الله امین نام شهر جلال آباد را ترون شار گذاشت و مردم هیچوقت آنرا ترون شار نگفتند و در کنار آن تره کی نام لیسه نادریه را به نام عمر شهید تغییر داد و وقتی از شاگردان این لیسه پرسیده می شد که در کدام مکتب درس می خوانی می گفتند : عمر سوخته و دلیل این بود که او می خواست در ارگ ریاست جمهوری با تانک حمله کند و داخل شود ولی فرمان داده شد که او را با راکت بزنند و او را با راکت انداز هدف قرار دادند و در داخل تانک سوخت و سوخته لقب گرفت ولی بعد سقوط رژیم کمونیستی دوباره لیسه به نام اولی خود نادریه مسمی شد . حالا توصیه ما این است که نام حامد کرزی و نام ربانی را بردارند و رنه بعد از تغییر رژیم و کارنامه های گذشته ایشان این نام به نام مرد نامدار و محبوب کشور تغییر داده خواهد شد . اگر نام میدان هوایی کابل به نام اولین شهید جمهوریت سردار محمد داود می شد هیچ عکس العملی مردن نشان نمی دادند .

گد های اخلاقی خبرنگاران

نویسنده: سید داود یعقوبی

مسئول مرکز قانون مندی مطبوعات

و تحقیقات رسانه یی

پیش درآمد سخن

بیشتر از یک سال طول کشید تا کمیته پیش نویس سه صفحه یی خود را تقدیم وزارت کرد . ولی تعدادی از نهاد های سود جود بخصوص فدراسیون خبرنگاران و بی بخطر کمک های خارجی اعلان نمود که گویا پیش نویس کدهای اخلاقی را ساخته اند که این حرکت باعث اعتراض دیگر نهادها شد .

ولی نهاد قانون مندی و مرکز تحقیقاتی رسانه هایخطر اینکه این کدهای اخلاقی نه تنها جامع نبود ، بلکه بسیار در آن سطحی نگری صورت گرفته بود . در آخرین کمیسیون نیز این مسئله را در مقابل دوستان و معین نشرانی وزارت اطلاعات و فرهنگ تذکر داد که روی کدهای اخلاقی باید افراد متخصص و کاردان کارکنند و بررسی مجدد صورت گیرد و این سه صفحه کد نمی تواند تمام محتوا را برساند و خیلی کمی ها و کاستی ها دارند .

البته در کدهای ساخته شده کمیسیون روی مسایل مهمی که در کشورهای مختلف به شکل قانون درآمده است کار صورت نگرفته و از مطالبی چون اسلام ، شافعی ، ملی ، مصالح ملی ، امنیت ملی ، اسرار نظامی ، اسرار دولتی ، کدهای تجاری و تبلیغاتی و خبری نیست مانبا نه درک عمیقی که از تعریف هروازه داریم ، خواستیم تا این کمی ها و کاستی ها حیوان شود تا حدود و مرزهای اخلاقی و حقوقی را از هم تفکیک نماییم و به بیراهه نرویم .

مزکز قانون مندی مطبوعات

بخش تحقیقات رسانه ای کد

های اخلاقی خبرنگاران را به

تیراژ سه هزار نسخه به چاپ

رسانیده است که خبرنگاران

میتوانند آنرا از آدرس ذیل

بدست آورند:

دهن باغ فاروق ستر

منزل چهارم مرکز

قانون مندی مطبوعات

تماس: ۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

خانواده جنوب آسیا

محمد عارف هومانی

بامیان می نگرد با هنر زیبایی یونان و باکترا ساخته شده و اولین بودا نیز با همین هنر توسط بلخیان ساخته شد که امروزه نه

زیبا و کوه های سربفلک کشیده همالیا ُ پامیر و دره های زیبای کشمیر و نورستان است که در این خطه چشمان بینای



توریستان را خیره می کنند و همه ساله میلیون ها دالر عاید به ساکنان این منطقه تزریق می نماید و همین دید و بازدید های توریستان روابطه انسانی و فرهنگی خوبی را ایجاد می کند .

بازدید از تاج محل کشمیر همالیا و نورستان نه تنها جنوب آسیا بلکه جهان را چون زنجیر به هم بافت می دهد و جهانیان با لذت خاص نه تنها هنر معماری و طبیعت زیبای منطقه را می نگرند و لذت می برند بلکه با فرهنگ بومی مردم این سرزمین آشنا می شوند و به یک نکته فکرمی کنند که " بنی آدم اعضای یکدیگرند "

سارک در کنار مسایل فرهنگی می تواند همکاری های خوب اقتصادی داشته باشند و همکاری های اقتصادی می تواند روابط خوب انسانی را بین اعضای عضو برقرار نماید و در حل مشکلات کلیدی و نیاز مندی های مردم این منطقه نقش اساسی را بازی نماید و با جرئت می توان گفت که سارک می تواند پدیده خوب همکاری قرن بیست و یک باشد و در رشد و توسعه فرهنگی اقتصادی و سیاسی کشورها و نزدیک ساختن ملت ها با همدیگر نقش اساسی داشته باشد .

با عملی شدن برنامه تاپی ما در دهه های بعد شاهد همکاری خوبی بین کشور های افغانستان پاکستان و هند خواهیم بود و مسایل سیاسی که در مسیر این راه وجود داشت شاید گمرنگ شود و ما در سایه صلح ودوستی در کنار ملت های دیگر خواهیم بود .

گرچه بنیاد گرایی و نزاکت های سیاسی باعث شده است که روابط کشور های جنوب آسیا گاه تیره و پرتنش شود اما با فعال کردن دیپلماسی قوی و غیر فعال کردن بنیاد گرایی دینی و همکاری های اقتصادی ُ فرهنگی و ورزشی و فعال کردن

گردشگری و دید و بازدید های منطقه یی می توانیم درک خوبی از همدیگر داشته باشیم و بیشتر روی مشترکات فکر کنیم و به این نکته بیشتر توجه نمایم که ما در خانه مشترکی بنام سارک و یا جنوب آسیا زنده گی می کنیم و مجبوریم در یک دستر خوان جمع شویم و پدیده های شوم چون جنگ مواد مخدر و مشکلات سیاسی را از این ناحیه برچینیم و روی برنامه های مشترکی چون زنده گی مسالمت آمیز و فرهنگ دوستی صلح و همکاری فکر کنیم تا کبوتران صلح و سفیران زنده گی همیشه در آسمان کشور هایمان به پرواز در آید .